



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۴۷۱۰

۴ شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۳۶

سال سیزدهم

شماره مسلسل ۱۲۵

دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

## مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۲۵

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز ۳ شنبه

هفتم آبان ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) سؤال آقای عمیدی نوری راجع بدریافت شهریه در دانشکده های شهرستانها و جواب آقای وزیر فرهنگ
- ۳) سؤال آقای بهبهانی راجع به توقیف شدگان اخیر و جواب آقای نخست وزیر
- ۴) تقدیم يك فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر
- ۵) سؤال آقای دکتر امیرنیر و مند راجع بمحل نصب کارخانه برق جدید و جواب آقای معاون وزارت کشور
- ۶) تقدیم يك فقره لایحه بقیددوفوریت بوسیله آقای وزیر فرهنگ
- ۷) تقدیم يك فقره سؤال بوسیله آقای دکتر هدایتی
- ۸) تقدیم تقاضای طرح لوایح موضوع اختیارات آقای گلشایبان بوسیله آقای دکتر شاهکار
- ۹) طرح و تصویب دوفوریت لایحه اصلاح قانون اعزام محصل بخارجه
- ۱۰) تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای عماد تربتی نایب رئیس تشکیل گردید

۴- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه گذشته قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: قبادیان - جلیلی - دکتر سعید حکمت - کورس - دکتر

اصلان افشار - سنندجی - سعیدی - اسفندیاری - دکتر آهی - امیدسالار - عبدالحمید بختیار - ذوالفقاری - مجید ابراهیمی - قراگزلو - دکتر بینا - اردلان - صفاری - زنگنه - مهندس شبیانی - فولادوند - دکتر هدایتی - مشار - بزرگ ابراهیمی - عامری - هدی

مهندس سلطانی - خلعتبری - کاظم شبیانی - دکتر امین - صراف زاده - اورنگ - دکتر ضیائی - پرفسور اعلم - دهقان - دکتر فریدون افشار - مهندس جفرودی - پردلی - باقر بشهری - مسعودی - ثقة الاسلامی - معین زاده - رامبد - خزیمه علم

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر - طاهری - اریه - دکتر جهانشاهی - سالار بهزادی - دکتر سید امامی - نصیری - دکتر نفیسی

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: عرب شبیانی - دکتر مشیر فاطمی - دیهم - بزرگ نیا

نایب رئیس - اعتراضی بر صورت جلسه نیست؟ آقای فضائی بفرمائید

فضائی - بنده عرضی دارم که از ماده ۱۳۸ اخطار نظامنامه ای استفاده میکنم ولیکن مربوط است بصورت جلسه مطابق

ماده ۷۰ بایستی صورت جلسه کامل باشد و کلیه مطالبی که در مجلس مطرح میشود در صورت جلسه بیاید، در جلسه اسبق

ملاحظه فرمودید جناب آقای دکتر صحت ضمن بیاناتشان راجع بلایحه کار اظهار کردند که این لایحه حاضر است و حتی

ممکن است تقدیم مجلس بکنم و بعد بگشندم تقدیم کردند و بعد معلوم شده است که این

لایحه امضاء نداشته است و صورت تقدیم لایحه نداشته است ولی هیچیک از این

مراحل که يك لایحه ای یارونوش لایحه ای را ایشان تقدیم کرده اند در صورت ذکر نشده است استدعا میکنم که در صورت

جلسه اساسی که برای بعد چاپ خواهد شد این موضوع ذکر بشود

نایب رئیس - آنچه که آقای معاون وزارت کار تقدیم کردند صورت میزونی داشت که مقصودشان این بود مشغول تهیه قانونی هستیم ولی چیزی بشکل لایحه تنظیم شده و امضاء شده ای نبود که در دستور گذاشته

بشود و غیر از این هم چیزی نبود آنچه بود این است که البته در صورت مجلس قید میشود در صورت مجلس نظری نیست؟

۲- سؤال آقای عمیدی نوری راجع بدریافت شهریه در دانشگاه های شهرستانها و جواب آقای وزیر کشور

نایب رئیس - سؤالات مطرح است آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری - آقای وزیر فرهنگ تشریف ندارند (ناصر ذوالفقاری - چرا تشریف دارند) در مسافرتی که

برای افتتاح راه آهن مشهد رفته بودیم (قنات آبادی - یادش بخیر) بلی یادش بخیر مدتی است میگردد بعضی از دانشجو یاران دانشکده

مشهد مراجعه کرده بودند به بعضی از رفقا و از جمله به بنده میبرسیدند با اینکه در

تهران در دانشکده تهران تحصیل مجانی است چرا دستور داده شده است که در

دانشکده های شهرستانها از ما دانشجویان که حاضر هستیم در شهر خودمان بمانیم و

تحصیل بکنیم از ما شهریه میگیرند و يك شهریه غیر متناسبی که در ماه بیش از هزار

ریال است گرفته میشود این مبلغ از نظر این که دولت حاضر هم مخصوصاً علاقمند است

مهاجرت مردم از شهرستانها بتهران کم بشود و حتی در این خصوص دستور تشکیل

کمیسیون داده اند که آن کمیسیون راهی برای مسکون کردن مردم شهرستانها در

خود شهرستانها پیدا کند بنظر بنده قدری عجیب آمد برای اینکه وقتی که يك چنین

علاقه ای دارد که مردم شهرستانها در خود شهرستانها بمانند و یکی از کارهایی

هم که در این مملکت شده است تأسیس همین دانشگاهها است در خود شهرستانها

لازمه اش اینست که اگر در شهرستانها ارفاق بیشتری امتیاز بیشتری داده نشود

لااقل با مردم مرکز مساوی باشند اگر مساوی باشند باز میشود گفت که این مردم در شهرستانها میمانند ولی وقتی که يك چنین تفاوت محسوسی هست که اگر کسی برود در دانشکده تهران درس بخواند یک هزار ریال در ماه نخواهد پرداخت اما در مشهد و یا شیراز

و یا تبریز که برود باید ماهی یک هزار ریال بدهد و این نقش فرض است یعنی این نظری که خود دولت دارد که جلومهاجرت را بگیرد برخلاف آن نظر عمل میکند (ایتهاج - درست باید مکتوسش بشود) همینطور است که می فرماید باید مکتوس بشود باینجهت بنده سؤالی کردم از جناب آقای وزیر فرهنگ البته مدتش طولانی شد حالاً انتظار دارم جوابی لطف فرمایند که ببینم آیا با سیاستی که دولت حاضر دارد این عمل تطبیق می کند یا خیر و چه فکری می کند برای هم آهنگی وزارت نامه ها با سیاست عمومی خود دولت برای آن هدف اساسی که دارد ؟

**نایب رئیس** - آقای وزیر فرهنگ بفرمائید .

**وزیر فرهنگ** (دکتر مهران) - در دانشکده های شهرستانها در دانشکده ای از هردانشجویی در سال صد تومان گرفته می شود نه همراه صد تومان آن دوری که جناب آقای عمیدی نوری فرمودند نیست در سال صد تومان گرفته می شود آنهم از محصلینی که بضاعتی ندارند گرفته نمیشود و مصرف آن هم برای خود دانشجویان است یعنی دانشجویان آنجمنی دارند و این صد تومان هائی که در سال آن عده میدهند اینها جمع میشود و بمصرف کمک بدانشجویان بی بضاعت میرسد یعنی آن دانشجویان که وسائل تحصیلشان را نمی توانند فراهم کنند از این طریق آنها کمک میشود و همچنین تهیه وسائل ورزش آنها و بهیچوجه من الوجوه دانشکده مربوط دخل و تصرفی در این وجه نمیکند در واقع این یک وسیله و طریقه ای است که حس تعاون و کمک را بین دانشجویان زیاد میکند که بهمدیگر میتوانند کمک کنند نسبت به تأسیسات اجتماعی شان که مربوط ب ورزش و کارهائی که تقویت قوای بدنی آنها را زیاد می کند و همانطور که عرض کردم محصلین بی بضاعت هم بکلی معاف از پرداخت شهریه هستند و هیچ نمی پردازند و برای کسانی هم که مبلغ صد تومان در نظر گرفته شده آن هم در سال میپردازند خیال می کنم مبلغ ناچیزی است که بکمک محصلین بی بضاعت هم میرسد ، در دانشکده تهران در سال گذشته تصمیم گرفته شد که بطور کلی همه دانشجویان معاف باشند شاید احتیاجی بآن پول در تهران نبود برای اینکه در تهران تأسیسات ورزشی برای محصلین تهران فراهم تر است ولی برای محصلین شهرستانها این وجود یک کمکی است بمحصلین بی بضاعت و همین طور بتأسیسات ورزشی شان مبلغ آن هم خیلی قابل ملاحظه نیست محصلین هم بطیب خاطر می پردازند آنوقت هم که به آقایان مراجعه کردند يك علتی داشت و آن این بود که سوء تفاهمی بین محصلین روی داده بود که تصور میکردند این شهریه ماهی

صد تومان است در حالی که سالی صد تومان است و رفع این سوء تفاهم شده و اشکالی هم در بین نیست و این وجوه را هم پرداخته اند **نایب رئیس** - آقای عمیدی نوری بفرمائید .

**عمیدی نوری** - بطور کلی آقای وزیر فرهنگ نسبت به مرض بنده تصدیق فرمودند که تعاونی بین خرج تحصیل عالی در تهران و شهرستانها وجود دارد و قبول هم فرمودند که دانشگاه تهران شهریه از دانشجویان نمیگیرد و قبول هم فرمودند که در دانشکده های شهرستانها گرفته میشود البته در مبلغش همانطور که فرمودند بنده علی الاصول فرمایشات ایشان را صحیح میدانم مگر آنکه خلاف آن ثابت شود ولی يك نامه ای یکی از این دانشجویان بعد از سؤال بنده از یکی از شهرستانها فرستاده نوشته است که سال گذشته است ۷۵۰ ریال دریافت می شد امسال ۱۲۵۰ ریال می گیرند ، این نامه ای است از يك محصل بنام حسن ربیعی که برای من نوشته است تاریخش هم ۱۱-۲۶-۲۴ است بر طبق این نامه ۱۲۵۰ ریال شهریه میگیرند یا رسال هم ۷۵۰ ریال بوده یعنی ما آمدیم در ظرف یکسال يك کاری که بهرحال هم آهنگ نیست یعنی در تهران تحصیلات عالی مجانی است و در شهرستانها تحصیل عالی پولی امسال هم بالا رفته ۷۵۰ ریال شد ۱۲۵۰ ریال البته از نظر جناب آقای وزیر فرهنگ ۱۲۵۰ ریال خیلی زیاد نیست و در نظر عده ای از ما هم شاید زیاد نباشد ولی شاید از نظر بعضی از این دانشجویان که بازانج و محنت تحصیل می کنند در شهرستانها زیاد باشد و بنده هم حق میدهم که بگویند این شهریه ها زیاد است ولی صرف نظر از این مطالب بنده در اساس کار حرف دارم باید در اساس این امر معتقد باشیم که تحصیل مجانی است (دهستانی - در کجای دنیا مجانی است) میفرمائید نیست ، در کشور روسیه جناب آقای دهستانی تحصیل در دانشکده ها مجانی است و شهریه هم میدهند بدانشجویان در بعضی از کشورها هم - طوریکه فرمودید در آمریکا و انگلستان تحصیل مجانی نیست پول زیادی هم میگیرند اما در کشور ما باید یکی از این دو اصل را قبول کنیم یا ما باید معتقد باشیم مجانی است و یا نیست اگر معتقد شدیم مجانی است بایستی برای همه مجانی باشد مخصوصاً از نظر شهرستانها همانطور که جناب آقای ابتهاج فرمودند برعکس اگر ما رفتار میکردیم یعنی شهرستان را مجانی میکردیم و تهران را پولی میکردیم بجا بود ، منطقی بود اگر برعکس رفتار کنیم این اثر خوبی ندارد نظر بنده در اساس است آنهم در دولتی که نظرش این

است که جلوی مهاجرت مردم را از شهرستانها بتهران بگیرد و کمیسیون تشکیل داده است جناب آقای وزیر فرهنگ برای اینکار خودتان هم قطعاً در هیأت دولت راجع باین موضوع هم فکری داشته اید که بایستی راههائی پیدا کنیم که مردم شهرستان در شهرستانها بمانند و بتهران نیایند ، ما مبلغ کازی ندایم ، مصرفش را هم قبول داریم ، آنچه که میفرمائید البته بمصرف کمک دانشجویان بی بضاعت و کمک تحصیل میرسد همه اینها صحیح ، اما این تربیت بدنی ورزش در دانشگاه تهران رنگین تر از دانشگاه های شهرستانهاست تربیت بدنی ورزش در دانشگاه تهران مردم پیش می آید که چرا ما شهرستانها توجه کمتر میشود و بیشتر کمکها و وجوه بهر کز داده میشود این نکته اساسی بود که بیشتر بنده را واداشت سؤال بکنم والا از نظر مبلغ در درجه دوم بود و چون باین موضوع توجه شده است من امیدوارم يك تجدید نظری در این موضوع بشود که با نظری که خود دولت دارد و راجع بجلو گیری از مهاجرت مردم شهرستانها بتهران این سیاست عملاً اجرا بشود این سیاست در تمام وزارتخانه و ادارات هست بطوریکه الان دولت آمده يك لایحه آورده است که کمیسیون ارز را متعل بکنند و کمیسیون از کارش طوری بشود که وظائف کار کمیسیون ارز در تهران و تمام استانها و شهرستانها با بانک ملی باشد و همه جای کسان بشود بنده از حضور جناب آقای نخست وزیر استفاده میکنم و در مورد سؤالی که نظر خود جناب آقای نخست وزیر هم این است که ما کاری بکنیم که مردم شهرستانها بتهران نیایند و روی این موضوع تصمیمی اتخاذ فرمودند که کمیسیونی تشکیل بشود و راههائی اینکار مطالعه بشود و بسیار هم فکر اساسی است موضوع سؤال بنده هم در واقع همین است حالا که آقا تشریف دارید بنده استفاده میکنم و سؤال را تکرار میکنم سؤال بنده این است که در شهرستانها از دانشجویان دانشکده ها شهریه گرفته میشود و در دانشگاه تهران از دانشجویان شهریه گرفته نمیشود بنده طرفدار یکی از این دو رژیم تصمیمی هستم هر کدام را دولت قبول کند اما معایبم این است که باید تهران و شهرستانها یکی شود و اگر هم از فراقی هست باید نسبت به مردم شهرستانها بشود یعنی همان نظری که جناب عالی دارید که مردم شهرستانها نیایستی مهاجرت بکنند بیایند بتهران جناب آقای وزیر فرهنگ هم فرمودند قبول کردند که این اختلاف هست منتهی فرمودند که دانشگاه تهران احتیاجی بیول برای کار تربیت بدنی ورزش ندارد و این پولی که از اینها گرفته میشود برای این کار است

البته منطبق صحیح است ولی این سیاست اصولی که جناب آقای نخست وزیر توجه فرمودید راجع بجلو گیری از مهاجرت مردم شهرستانها بتهران بنظر بنده باین عمل تناقض دارد تقاضای بنده این است که تجدید نظری در کار دانشجویان شهرستانها بشود و این مردمی که در شهرستانها میمانند و در محل خودشان میخوانند تحصیل کنند از آنها شهرییه گرفته نشود

**نایب رئیس** - آقای وزیر فرهنگ بیاناتی دارید **وزیر فرهنگ** - عرضی ندارم **نایب رئیس** - آقای بهبهانی ، **بهبهانی** - چند روز پس از تقدیم سؤال مورد بحث بساحت مجلس شورای ملی یکی از دوستان عادت تقدیم این سؤال را با تعجبی آمیخته بدلسوزی جواب شد و در عین حالیکه از روی گذشته اینجناب ستایر می کرد و مخصوصاً از بیاناتی که در مقام مخالفت باروش دولت های گذشته نموده بودم تحسین مینمود و از وضع حاضر هم بسیار ناراضی بنظر میرسید بازم با طرح این سؤال آنهم از طرف این جناب رضایت نشان نمیداد و میگفت که اگر سیاستمدار بخواهد منافع عمومی و مصالح شخصی خود را تأمین بنماید باید حتماً يك راه و يك دیر کسبش را طی کند و از تملیلات آنرو فصلی احتراز جوید و برای حمله و انتقاد از دولت ها بهر دلی نزنند و معتقد بود که با این ترتیب هر سیاستمداری بهتر میتواند آبروی خود را حفظ کند و در سر و دست مملکت مؤثر باشد و چون میدانست و مکرر از خود این جانب شنیده بود که بر خلاف معمول و رویه حاضر و معمول به امروز من به حیثیت سیاسی و خانوادگی خود بیش از مناصب مشاغل و امور دیگر یای بنده عنوان این سؤال را خروج از رویه همیشه اینجناب تلقی میکرد و در شرائط موجود با اصطلاح نقطه ضعفی برای من پیدا کرد ، بود .

این شخص بمن میگفت که چون شما با روش مصدق و اطرافیان او مخالف بودی و سؤال حاضر ظاهراً بمنظور حمایت از آنها تسلیم شده و یا لاهل در آنرا او این جور تعبیر میشود پس رویه گذشته خود را ترك گفته ای و بمکتب جدیدی وارد شده ای (نخست وزیر) دیگر من شما اجازه نمیدهم بمکتب بروید) و برای توجه مطلب خود در عین حال تنقید عدل من از اعمال و رفتاری که مصدق و اطرافیانش نسبت بمخالفین یاد آوری میکردند تا باین جا رسید که در زمان حکومت مصدق حتی يك نفر از اطرافیانش کلمه ای برای جلو گیری از این قبیل اعمال خلاف رویه او نگفت و در مقام حمله و کوبیدن اشخاص حتی بکسانی هم که سابقه دوستی با او داشتند و با هم مقدم آزادی ملت جلو گیری میکردند و در زیر سر و سر حکومت های نظامی اموال مملکت قزیر را چپاول مینمودند و سیاست های مغرب يك نفر هر چند مردم قوی الفکر و بااراده و خود را اعمال و اجرا میکردند و اقوی دلیل

اشخاص بود و هر کس ولو هر چند در اصل مصدق می بود هم فکر بود به مجردیکه باینکی از گفته ها و باعقاید او روی مخالف نشان میداد با شدت مورد حمله و انتقاد قرار میگرفت و بسر نوشت ناهنجاری گرفتار میشد . گفتم تو چرا حالا از زمان مصدق را پیش کشیدی و اعمال آن زمان را مقیاس قرار دادی ؟ جواب داد برای اینکه دستگیر شدگان کنونی ، بطرف قدری از مصدق و تأیید و تحسین اعمالی که در زمان او صورت گرفته و حمله بدستگاه حاکمه تملی اعلامیه صادر کرده اند ، در صورتیکه وضع فعلی با آن ایام خیلی فرق دارد (نخست وزیر صحیح شده اند مثلاً شور و بهار خلاف رویه دائمی و معمولی خود در جایید و رادیه های خود از قرارداد نفت تحسین میکنند و معلوم میشود با دولت حاضر روابط حسنه دارند . انگلستان علاوه از روابط اقتصادی و تجاری با ما هم بیمان شده است . دولت آمریکا هم که با هم کارهای نظامی و اقتصادی و کمک های الا هوض حسن نیت خود را نشان داده است و این نکات بخوبی میرساند که از طرف هیچ دولت خارجی تصور و احتمال تعربك نمیرود . پس در این صورت مجال و فرصت اخلاص از طرف آنها باقی دولت ها بهر دلی نزنند و معتقد بود که با این ترتیب هر سیاستمداری بهتر میتواند آبروی خود را حفظ کند و در سر و دست مملکت مؤثر باشد و چون میدانست و مکرر از خود این جانب شنیده بود که بر خلاف معمول و رویه حاضر و معمول به امروز من به حیثیت سیاسی و خانوادگی خود بیش از مناصب مشاغل و امور دیگر یای بنده عنوان این سؤال را خروج از رویه همیشه اینجناب تلقی میکرد و در شرائط موجود با اصطلاح نقطه ضعفی برای من پیدا کرد ، بود .

گفتم بسیار خوب اجالا از عقیده شما نسبت بدولت اسبق و توقیف شدگان مطلع شدم اکنون يك سؤال برای اینجناب باقی می ماند که اگر نسبت باین سؤال جواب مقتعی بشنوم خواهم توانست کار اخیر خود را بنا بر تلقی نمایم و آن سؤال این است که این آقایان با اعمالی که فرمودید کار خوبی کردند و با مرتکب اعمال خلاف اصول شدند ؟

گفت البته مرتکب کارهای بسیار بدی میشدند .

گفتم چرا ؟

گفت : برای اینکه اولاً کارهائی میکردند (البته پس از گذشتن مدت سی تقریباً یکسال) با آنچه میگفتند فرق داشت و بطور خلاصه آنها میگفتند که سالهاست شرکت نفت ایران و انگلیس تمام وجهی که بابت عواید نفت داده با صورت سازی و بدست دولت های غیر ملی پس میگرفته و بکشاهی هم بمصرف رفع احتیاجات واقعی و ضروری مردم نمیرسد بعلاوه از طریق شرکت نفت در دستگاه حکومت های وقت اعمال نفوذ قطعی صورت میگرفت و با برقراری حکومت های نظامی و ایجاد میزبانی ها با این روش و بکشمه چالیوس و متملق و منقلب و هم دور و برش را گرفتند و کور گورانه و تمردی اوامر او را اطاعت و اجرا میکردند همیشه شکست خورده زیرا يك نفر هر چند مردم قوی الفکر و بااراده و خود را اعمال و اجرا میکردند و اقوی دلیل

طرفداران مصدق در این باب این بود که با وجود عایدی سرشار نفت حتی کارگرانی که موجب تحصیل این ثروت هستند در حصر آباد و زافه های آبادان زندگی می نمایند و قدرت تهیه مایحتاج ضروری و اولیه خود را ندارند و روم گرفته و رقت بار آن زمان را (که متأسفانه هنوز هم گرفتار آنیم) نشان میدارند و میگفتند ما اگر کسب آزادی کنیم بنحوی که ملت بتواند حرف خودش را بزند مجال است دولت ها بتوانند برخلاف جهت منافع مردم قدمی بردارند و از این رو ملی شدن نفت را مقدم شمرند و انصافاً در سال اول هم چنین شد ولی بعد از مدتی آنچه را که کردند با «ت» اول خودشان فرق داشت چنانکه بنام کسب آزادی برای ملت مرتکب اعمالی شدند که جز اختناق و آزادی نام دیگری نمیتوان بر آن نهاد . زیرا در آن ایام هر کس بر خلاف میل حکومت و طرفداران آنها چیزی میگفت فوراً او را تکفیر و با انواع و اقسام اذیتها و آزارها دچارش میکردند و همین خود دلیل عدم آزادی بود در زیر این اختناق و تهیه موجبات سکوت هم منافی نهفته بود منتهی منافی مخالف با جریان سابق والا از دست يك اقلیت کوچککی در آن زمان چه بر می آمد و انگهی اگر دولتی به جهت عمل خود معتقد باشد نباید از اظهار عقاید مخالف بیسی داشته باشد بگذار یک عده ای هم انتقاد کنند و مسلماً انتقاد اقلیت وقتی با منافع اکثریت روبرو شد بجائی نمیرسد ولی عمل آنها با اقلیت مجلس آنروز بهترین دلیلی بود که ادعای آنها را تخطئه میکرد و اگر آنروز با مخالفین خود اینطور رفتار نمیکردند و اعمالشان با ادهای بنجاه ساله آنها منافات نمیداشت قطعاً یکی از موجه ترین حکومت ها بودند

من همان روز که دولت اسبق حکومت نظامی را اعلام داشت فهمیدم که گرفتار همان اشتباهی شده که همه تحت عنوان مصالح مملکت میشوند و قهرأ فاصله شان با مردم زیاد میشوند و این زیاری روبرو می خواهد رفت و آن ترغالی را بروه غلط شکست خواهد خورد همانطور که دیدیم شکست هم خورد و جاه هائی را که برای دیگران کندند خودشان در آن گرفتار شدند .

در اوایل تیر در روزنامه ها و رادیو اعلام کردند که هر کس سیه بزهادهای را نشان بدهد بملی جایز در دریافت خواهد داشت کسی بدهد همان اعلان درباره خود مصدق شد .

**فایز ویا ولی الابصار**

هر کس آمد و گفت هر چه من امر میکنم همان باید بشود و يك عده چالیوس و متملق و منقلب و هم دور و برش را گرفتند و کور گورانه و تمردی اوامر او را اطاعت و اجرا میکردند همیشه شکست خورده زیرا يك نفر هر چند مردم قوی الفکر و بااراده و خود را اعمال و اجرا میکردند و اقوی دلیل

مصلح باشد تحت تأثیر فرایز قرار میگردد و بالاخره مرض غرور و خود خواهی بر او غلبه میکند اگر یادتان باشد همه دوستان و خیر خواهان مملکت با ایشان می گفتند آقای احساسات مردم در يك قالب عقلائی بریزید و سیاست را بکوچه و بازار نکشاند زیرا این کار عاقبت خوبی ندارد و روزی فرا میرسد که خودتان هم قادر نخواهید بود جلوی آنرا بگیرید اما متأسفانه بحرف کسی گوش نداد هر که از اعمال او انتقاد میکرد و یار و یاراش را نمی پسندید او را بدست امواج احساسات مردم میسپرد کنونی سدان خلق میکردند و مارک خارجی و اجنبی پرستی باو میزدند و حیثیت و آبروی اشخاص را بی رحمانه مذهب میزد و هوس قرار میدادند . در صورتیکه اگر طبق موازین دمو کراسی عمل میکردند قطعاً بهدفع غائی خود میرسدند . چنانچه در ممالکی مانند انگلستان و آمریکا همینطور است هیچ فرد یا اقلیت و یا اکثریت نمیتواند با حیثیت اشخاص بازی کند . اقلیت انتقاد می کند و اکثریت حکومت اگر اکثریت را خطائی رفت جای خودش را برقیب میدهد و مجال است کسی بتواند حتی يك نفر را بنا بازاده و میل انتقام جو یا نه خود اذیت کند و سر بقا و سادات آنها هم در همین است و بس . این هم بصرف حمله میکند مردم و اقلیت مجلس اعمال او را نمی پسندند و با اعتراض می کنند مگر ایند نمی توانست منقدین و معترضین را منکوب کند و بجس بنمازد (فیات آبادی - نمیتوانست) و بگوید مصلحت در این است که من کرده ام ولی يك مصلحت بزرگتر مانع اجرای مصلحت کوچکتری بود و آن اجرای اصل آزادی بیان و عقیده بود زیرا آنها میدانند که اگر این کار معمول بشود فردا يك نفر دیگر برخلاف مصلحت واقعی و بنا باغرای بداندیشان کار دیگری میکنند و آنوقت است که باید فاتحه مملکت را خوانند

همچنین در آمریکا الان يك عده از سیاست آینه ناور انتقاد می کنند و از عدم توجه با مردمی و اکتشافی با حمله میکنند چرا و مردم را بحسب نمی اندازد ؟ برای اینکه اولیاء امور آن کشور میدانند که فردا همین بلا سر خودشان خواهد آمد

گفتم آقای عزیز اگر با تمام فرمایشات شما باین شرط موافق نباشم لا اقل با قسمتی از آن موافق ولی بنظر من هر کس مرتکب این قبیل کارها بشود باید مورد انتقاد قرار گیرد و این همان رویه ای است که از آغاز خدمات اجتماعی خود شروع کرده ام و اختصاصی بمصدق ندارد

من بطور کلی هر کس را که برخلاف اصول اقدام کند شایسته انتقاد میدانم و در اجرای این نظر بهیچوجه بشخص اشخاص توجه ندارم و تنها از اصول پیروی می کنم .

**نایب رئیس** - آقای بهبهانی وقت بهیم

جواب سؤال دو مرتبه مذاکره بفرمائید

**فضائلی** - بدهد آقای نخست وزیر بخوانند

**نخست وزیر** (دکتر اقبال) - چون بنده وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر

بند و وقت معدودیت ندارد اجازه بدهید بنده بقیه آنرا بخوانم (قناب آبادی) - وقت آشام معدود است مدت وقت وزیر



خارجی نه آجل بدهد و نه آجل میگيرد و این هم از مشخصات این درات است من نخواستم بگویم که دیگران اینطور نبوده اند دیگران هم انشاءالله بطور بود و داند ولی ما خودمان را اینطور معرفی میکنیم اینطور هستیم از اینجهت احتیاج هم حکومت نظامی نداشته ایم و برقرار هم نکردیم در یکی از جلساتی که مطالبی عرض آقایان رساندم تذکره کردم بر داشتن حکومت نظامی را آن عده از اشخاص که دنبال این کار هستند دلیل بر ضعف دولت ندانند و از این کار سوء استفاده نکنند و تصور نکنند که چون حکومت نظامی نیست دولت بخواب خرگوشی فرو رفته است و اجازه خواهند داد که عده های ماجراجو همان اوضاع و احوال سابق را دوباره در این مملکت بوجود بیاورند و از آن استفاده کنند بنده خیلی متعجبم که بعضی از ماها چرا بر اینطوریم که اوضاع و احوال دنیا و مملکت ما تغییر کرده است قدر مصنوعی دارند به ما میفرستند جت دارند درست میکنند عصر اتم است و ما توجهی نداریم و مریض و مریض و مریضیم خیال بافی میکنیم که بابا حسن چور شده است حسینی چطور شد نقی چطور رفتی چطور آن بالا همچین شد فردا همچین میگویند و این جز خیال بافی و اتلاف وقت چیز دیگری نیست و بنده بطور قطع حضور آقایان نمائندگان معترض عرض میکنم که این رویه دیگر بقول معروف مدنیست و هیچ نتیجه ای هم از آن نمیگیرند نه اینکه دولت بخواند جلو اینها را بگیرد اصلا اوضاع و احوال دنیا عوض شده اوضاع دنیا بصورتی در آمده که دیگر این وضعیت را نمیستند عوض شده است بلكه روزی در این مملکت سیاست نان بود بلكه روزی در این مملکت سیاست گوشت بود روی این چیزها دولت میانداختند و دولت می بردند حالا نان هیچ تأثیری در سیاست دولت ندارد گوشت هم اگر چند روز در تهران پیدا شد آقایان ملاحظه فرمودید که هیچکس از کمی نمرد و از نقطه نظر طبی هم بنده تجویز کردم برای اشخاصی که مسن هستند مثل من گوشت نخورند بهتر است و اگر بنا است که بلكه مملکتی و يك ملتى برای بلوای نان یا بلوای گوشت اوضاعش بهم بخورد آن مملکت امروز در دنیا حق حیات ندارد (صحيح است) و ما ملتى هستیم زنده شش هزار سال تاریخ داریم آقای دنیا بودیم و روی اوضاع را احوال يك مدتی کنار رفتیم ولی حالا میخواهم در در برف ممالک مترقی دنیا باشیم (نمائندگان - اشاعالله) و این هم غیر از کار کار مثبت راه دیگری ندارد و هر کس که لیاقت دارد، هر کس معلومات دارد میتواند بیاید جلو، جاده برایش باز است ولی فلان آقایانی که نه معلومات دارند نه تحصیلات مفت خوردند و میخواهند در این مملکت حکومت کنند دیگر

اینکارها وجود ندارد دیگر مفتخوری در این مملکت رونقی ندارد (صحيح است) باید فعالیت کرد و زحمت کشید و هر کس که فعالیت کرد و زحمت کشید میتواند در این مملکت حکومت کند کار کند، بنده که اینجا حضور آقایان استادم ۱۵ سال است که این مملکت را در تمام مراحل سخت اوضاع این مملکت در رانم کار بودم مسئولیت قبول کردم من از پشت تریبون همین مجلس جزیره توده را منسوخ اعلام کردم در قان و قتی که حزب توده حکومت میکرد در این مملکت (صحيح است) بلی آقا هم منظور نشستن و خیالی بافی کردن و این ندارد این گو و این میدان تشریف بیاورید در این میدان تا ما ببینیم اگر شما يك دقیقه توانستید پشت میز نخست وزیرى با شرافتی که امروز هست کار بکنید من میدهم شاه رگه ای را بر این بنده ادا کردن و خیال بافی آسان است این گوی و این میدان و چون تصمیم گرفته شده است که در این مملکت کار کرد بنابر این روش باید تغییر بکنند این است که عده ای بی خود واضح و روشن عرض میکنند وقتتان را تلف نکنند بوی خود هم وقت مردم را تلف نساژند يك عده ای در يك جاهائی جمع میشوند و می نشینند و حرف هائی میزنند نقشه هائی میکشند حملاتی می کنند آقا دیگر این دکانها بسته شده است و رونقی ندارد چون سیستم کار عوض شده است بنده دیگر با الاغ نمیتوانم تا مشهد بروم راه آهن کشیده شده طیاره دوساعته میرود میفرمائید که بنده تاشهد با الاغ بروم آخر آقا این که نمیشود ما باید رویه مان را تغییر بدهیم روحیه مان را تغییر بدهیم اگر علاقه مند به مملکت هستیم این خیالی بافی ها چیست مفروضه که ما هدای را توقیف کردیم بلی توقیف کردیم صحت دارد چرا توقیفشان کردیم مگر ما بیکاریم آزاد داریم چرا بنده نشان میدهم که ما حتی نسبت با اشخاص که نسبت بشخصی بنده در تمام ادوار روی کمال ناجوانمردی رفتار کرده اند بخشیدم چون اگر بنا باشد کار مملکت در شت نصیب و کینه نوزی باشد اصلاح نمیشود و این دولتی است که دنبال کینه نوزی نیست این دولتی است که از روز اول بشهادت صورت جلسه و بشهادت خود آقایان از نقطه نظر خیر خواهی مملکت عرض کرده ام که همه باید کتک بکنیم تا کارها آسان بشود و این ارباب آسانی منزل برسانیم پس وقتی برنامه دولتی این است که بی خود و بی جهت نمی آید اسباب آزار مردم را فراهم بیاورد مضافاً باین که در نخست وزیرى يك دقیقه تری باز شده با هم پیشنهادات

و تنقیدات که تنقیدات و پیشنهادهای اشخاص را می پذیریم این برای چیست؟ برای این است که مردم بپایند حرفهای خودشان را بزنند و همه را می پذیریم و رسیدگی می کنیم و من هم خیلی متشکر و سپاسگزارم از هموطنان خودم که پیشنهادات خوبی هم میدهند هر چه هم که قابل قبول نیست بهشان جواب میدهم که این پیشنهاد شما قابل قبول نیست پس بلكه دولتی که پیشنهادات و تنقیدات مردم را قبول میکند این يك دولتی است که نمیخواهد مردم زور بگیرد ما که نمیخواهیم زور بگیریم ولی این کار مانع این نیست که بنده بخوانم تاشا کنم يك عده خائن بنام معنی در این مملکت چیز هائی چاپ میکنند ما این را باز گرفته اند دنبال تر مصدق (پرفسور و جسد را داریم نخواهیم گذاشت ولو این که قیمت آن تمام بشود و بنده را بکشند این آقایانی که توقیف کرده اند خائن هستند بامدار کمی که ما داریم (یکی از نمایندگان - اسامی شانرا اعلام کنید) با مدار کمی که داریم خائن خائن هستند اقرار کرده اند که با خارجی ها ارتباط داشته اند برای اینکه هنوز تری این مملکت بضررها هستند که تصور میکنند خارجی حق دارد در کار مملکت ما دخالت کند من آقا به چه چیزی اجازه نمیدهم که در امور داخلی ما دخالت کنند (احسن است) اصلا این نك است برای ایرانی که قبول کند، حتی میخواهد موافق دولت باشد یا نباشد، که حسین را بیاورند نخست وزیر کنند، خاک بر سر این اشخاص و خاک بر سر آن اشخاصی که این حرفها را میزنند (احسن است) آقا ما ملتى هستیم زنده، ملتى هستیم که میخواهیم در داخله خودمان حکومت کنیم، سیاست خارجی ما روشن است، روش ما با هر ملت و دولتی که نسبت به مملکت ما احترام میگذارد و نمیخواهد منافع ما را از بین برد با ما دوست باشد با او دوست هستیم (احسن است) هر کس میخواهد باشد هر دولتی که با این قسمت مخالفت کند تا آن حدی که قدرت داریم توانائی داریم، ما چنك خواهیم کرد و دفاع خواهیم کرد از حیثیت مملکتمان، این روحیه ماست. اگر دولت خارجی دولتی بیاورد این دولت نیست آقا این دولت بنا بر اراده شخص شاهنشاه در آس کار آمده است و تا موقعیکه ایشان اراده دارند بنده شرفیابم و آنوقتی هم که ایشان نخواهند بنده میروم کنار چه همه بخوانند وجه نخواهند بنده چاره ای ندارم، طبق قانون اساسی عزل و نصب وزراء با پادشاه است اگر فرمودند می مانم و اگر هم فرمودند من رخص می شوم، چه طور میگویند که این دولت را خارجی آورده است، خاک بر سر آنهائی که این حرفها را میزنند، کدام خارجی؟ آقایان وضعیت ما را الان می بینید چیست؟ از نقطه نظر خارجی

چه رلی را ما داریم؟ ما همه اش عادت کرده ایم توی سر خودمان بنیم و از همسایه تعریف نکنیم، این چه اخلاقی است که ما داریم؟ مال همسایه را خوب بدانی و مال خودمان را بد و از صبح تا غروب حساس و نا امید - کمی گفته است اوضاع و احوال مملکت ما رو بر آید است؟ کسی چنین ادعائی کرده است؟ من که الان مسئول امور مملکت هستم من هیچ ادعائی نکردم - معایب زیاد است با تنقید هر روز روزه خوانی و هر روز گریه کردن این کارها اصلاح نشود این گریه و زاری کارها را اصلاح نخواهد کرد، البته باید اصلاح کرد و این دولت باز گرفته اند دنبال تر مصدق (پرفسور و جسد را داریم نخواهیم گذاشت ولو این که قیمت آن تمام بشود و بنده را بکشند این آقایانی که توقیف کرده اند خائن هستند بامدار کمی که ما داریم (یکی از نمایندگان - اسامی شانرا اعلام کنید) با مدار کمی که داریم خائن خائن هستند اقرار کرده اند که با خارجی ها ارتباط داشته اند برای اینکه هنوز تری این مملکت بضررها هستند که تصور میکنند خارجی حق دارد در کار مملکت ما دخالت کند من آقا به چه چیزی اجازه نمیدهم که در امور داخلی ما دخالت کنند (احسن است) اصلا این نك است برای ایرانی که قبول کند، حتی میخواهد موافق دولت باشد یا نباشد، که حسین را بیاورند نخست وزیر کنند، خاک بر سر این اشخاص و خاک بر سر آن اشخاصی که این حرفها را میزنند (احسن است) آقا ما ملتى هستیم زنده، ملتى هستیم که میخواهیم در داخله خودمان حکومت کنیم، سیاست خارجی ما روشن است، روش ما با هر ملت و دولتی که نسبت به مملکت ما احترام میگذارد و نمیخواهد منافع ما را از بین برد با ما دوست هستیم (احسن است) هر کس میخواهد باشد هر دولتی که با این قسمت مخالفت کند تا آن حدی که قدرت داریم توانائی داریم، ما چنك خواهیم کرد و دفاع خواهیم کرد از حیثیت مملکتمان، این روحیه ماست. اگر دولت خارجی دولتی بیاورد این دولت نیست آقا این دولت بنا بر اراده شخص شاهنشاه در آس کار آمده است و تا موقعیکه ایشان اراده دارند بنده شرفیابم و آنوقتی هم که ایشان نخواهند بنده میروم کنار چه همه بخوانند وجه نخواهند بنده چاره ای ندارم، طبق قانون اساسی عزل و نصب وزراء با پادشاه است اگر فرمودند می مانم و اگر هم فرمودند من رخص می شوم، چه طور میگویند که این دولت را خارجی آورده است، خاک بر سر آنهائی که این حرفها را میزنند، کدام خارجی؟ آقایان وضعیت ما را الان می بینید چیست؟ از نقطه نظر خارجی

روزنامه های فکری کند با معاشی باشناژ میتواند در این مملکت اثری داشته باشد قول میدهم گور خوانند است - روزنامه فحاش در این مملکت هیچ اثری ندارد بعقیده بنده، بی خود کور خوانده اند و باید رویه شان را تغییر بدهند - با اوضاع و احوال مردم روزنامه ها اثری در آوردن و بردن دولتها ندارند، این دولت هیچوجه من - الوجوه، بکسی آجل نمیدهد از کسی آجل نگرفته ایم و نداریم بکسی بدهیم بچه مناسبت بدهیم برای چه بدهیم، برای اینکه شاید بنشینیم اینجا تا وقتی که اعلیحضرت هایوفی اراده فرموده اند بنده این جا شرفیابم در این مورد بیشتر عرض نمیکنم، از جهت مثبت میباید بیاید، بیا و گویم کن بدولت، مردم را ارشاد کن ما هم با کمال میل از نو طر فدا می میکنیم ولی با این طریقه نمیشود این مملکت را از این برد - معذرت میخواهم عرض کنم این آقایان آمده اند و از تر مصدق که تمام بدبختی های این مملکت از سر دولت شوم آن دوسه ساله مصدق هست دارند اینکار را دنبال میکنند (یکی از نمایندگان - مرده برست هستند) یکی از آقایان که بقول خودشان محترم هم هست و يك وقتی هم نماینده مجلس بود و جواز برنج می گرفت و از هر زا ئری ۳۰۰۰ تومان پول گرفته بود داداش حالا این حرفها نیست والله نیست و نخواهیم داد البته این دکانش بسته شده است و بابستی اینکار را بکنند این ارشاد هم می کند حالا که گرفته اندش صدا بلند شده که دنیا نکان می خورد نه آقا هیچ طور نمیشود اول مملکتی باید باشد و بعد افرادش اگر فلان بابا برادر من باشد و با خارجی ارتباط داشته در این مملکت چه کاری کردند من تعجب میکنم یک عده خائن یک عده جاسوس برای گرفتن مقامات برای کسب شهرت و آمدن سر کار مردم بیچاره را گول زدند - روزی که مصدق آمد صدی ۹۰ ملت ایران فکر کردند این خدمتی میکند و اگر این فکر نبود شاهنشاه باو فرمان نخست وزیرى نمیداد اگر گفت روزی سیصد هزار لیر عایدات نفت خواهیم داشت بعد يك عهد دیگر اظهار من الشمس است همه آقایان زه آنرا چشیدید دیدید که پدر مردم را در آوردند فامیلیا را بهم زدند يك روزی بنده از آذربایجان برگشته بودم البته استعفا دادم برای اینکه رئیس دولت وقت برخلاف قانون دستور مجلس را اجرا نکرد این قدرت در من بود آقایان آذربایجانی ها چهار اسبه میروند، میخواهد خودش را بقر برساند و ما اینطور نشستیم منفی بافی چرا؟ اینها را که گرفته ایم توقیف کردیم که هیچ، مقامات بالاتر از اینها هم اگر باشند توقیف خواهیم کرد برای مصالح مملکت ما هیچکس دشمنی نداریم توقیف هم کرده ایم صحت هم دارد توقیف با بنده رفیق است و همکار من است در دانشگاه گفت که يك ملاقاتی از بابا بکنم

چون می خواهد برود امریکا و شام بخواند بروید اروپا و من میترسم بعداً همکاریها بشما تذکره ندهند برای اینکه خیلی آدمهای خوش جنسی هستند خودش گفت باصرا او رفتن من هیچوقت ترس نداشتم اولیکه آمد تلگراف کردم این شخص بنظر بنده دیوانه است و حکومت او بدترین حکومتها برای این مملکت خواهد بود این تلگراف حاضر است و ادعا نیست و من خیلی خوشوقتیم که بعد آیش بینی من درست درآمد او وقتی مرا دید گفت شما اجازه ندادید آزاد بخوانم در مجلس شانزدهم بروند شما وزیر کشور دوره شانزدهم بودید و اجازه ندادید بکنم که اینجا توی اطان که کسی نیست شوخی میفرمائید خودش هم الحمدالله آمد انتخاباتی کرد که تجویز ترین انتخابات بود آدم کشتند تبعید کردند پدر مردم را در آوردند بدترین انتخابات که در این مملکت شده است در زمان مصدق شده است (صحيح است) آدم کشتند و صندوق عوض کردند پدر مردم را در آوردند و تبعید کردند و گفتند ما آزاد بخوان هستیم حالا باز آقایان می نشینید و طر فدا می میکنید که بلكه آقا تر مصدق حقیقه آدم تعجب میکند رفتند بر خلاف قانون اسکناس چاپ کردند بر خلاف نکردند آقا؟ (صحيح است) گفتند ما طبق قانون اساسی و مقررات حکومت می کنیم زدند زیر پای قانون اساسی، بر خلاف اصول رفتند فرزندم کردند و متأسفانه يك عده اشخاص روشن فکر شرکت کردند و رفتند رای دادند هر ضرکرم يك عده اشخاص در ته ان شرکت کردند متأسفانه رفتند و رای دادند فرزندم کردند متأسفانه آقا مملکت با این حرفها اداره نمی شود این ترها که بنده شده اند اخته ای بش دور تا مادامیکه این دولت و دولتها بعد به آقایان قول قطعی می دهم که این دکان بسته خواهد شد هر کس کار میکند، هر کس لیاقت دارد و صبح با می شود می رو د دنبال کار مشروع نه دلالی، نه جواز بگیرى، نه سوء استفاده، نه توصیه های بیجا او در این مملکت جا دارد، اشخاص دیگر در این مملکت جا ندارند و معطلند سیستم کار تغییر کرده طرز کار تغییر کرده این دیگر امروز بقول فرنگی ها آلامد نیست بگوروزی آلامد بوده امروز آلامد نیست تغییر کرده دنیا دارد چهار اسبه میروند، میخواهد خودش را بقر برساند و ما اینطور نشستیم منفی بافی چرا؟ اینها را که گرفته ایم توقیف کردیم که هیچ، مقامات بالاتر از اینها هم اگر باشند توقیف خواهیم کرد برای مصالح مملکت ما هیچکس دشمنی نداریم توقیف هم کرده ایم صحت هم دارد توقیف با بنده رفیق است و همکار من است در دانشگاه گفت که يك ملاقاتی از بابا بکنم

توقیف اینها هم صحت دارد (چند نفر از نمایندگان - اسم برید) الان در مراکز تحقیق است بنده فقط چند قسم از آنها ما نشان را می گویم

۱- اقرار در مورد تهیه و چاپ اعلامیه

۲- اقرار در مورد بعضی از آنها در مورد ارتباط با خارجیا

فایز رئیس - جناب آقای نخست وزیر وقت سر کار تمام شده

نخست وزیر - بنده مطالب این نیست، مطالب دیگری هم دارم

فایز رئیس - چون موقعی که نظامنامه معین کرده است منقضی شده است چون آئین نامه این است که در موقع جواب بپرسش بیشتر از یک ربع نمی شود صحبت کرد

نخست وزیر - راجع به مصالح مملکت است، بنده راجع به خائنین که حق دارم صحبت بکنم

فایز رئیس - بفرمائید

نخست وزیر - ۱- اقرار در مورد انتشار اعلامیه ۲- اقرار در مورد بعضی از آنها در مورد ارتباط با خارجیا (پرفسور اعلم - خاک بر سرشان بکنند بازمی گویند مصدق) عرضکنم يك چنین افرادی را توقیف کرده اند (چند نفر از نمایندگان - بسیار خوب کرده اید) خیلی متشکریم که تصدیق فرمودید تصدیق هم نمی فرمودید توقیف می کردیم (خنده نمایندگان) این است که این ترها که بنده شده این مذاکرات که بنده همه اینها از بین رفته و ما باید همه روحیه مان را تغییر بدهیم و بیاییم از جهت مثبت کار بکنیم بنده از روز اول استدعا کردم و حالا هم استدعا می کنم دست بدست هم بدهیم در جهت مثبت و الا کاری از پیش نمیرود و الا نشستن توی خانه که آقا این دولت برود، تغییر حضرت عباس نمیرود بروج رسول الله نمیرود دیگر از این روشن تر نمی شود صحبت صکرود گفتن اینکه حسن را می خواهند بیاورند و حسین را می خواهند ببرند از تزلزل در کار دولت چه نتیجه می گیرند از این کارها چه نتیجه ای می گیرند؟ غیر از اینکه آن مأموریکه در بند عباس نشسته است خیال میکند دولت می خواهد برود کار مردم را نمیکند خیال میکند دولت می خواهد برود این کار بنده که نیست، کار مردم است این درست نیست با این خیال بافی ها و با این مجالس که تشکیل میدهند با این حرفها از صبح تا غروب حضرت رسول که وقتشان را تلف میکنند و هیچ نتیجه ای ندارد و اما می گویند راجع بر مردم خیال میکنند که هیچ دولتی با اندازه این دولت با مردم تماس مشروع نداشته، خیلی معذرت میخواهم چون دیگران تماس نامشروع داشته اند، بلكه آنها دیگر میخواستند بیایند از شان سواری بگیرند

با فلان آقا بد بودند می خواستند بیایند اینجا جلوی مجلس هورا، زنده بدمرده باد بکشند بعد یازو صبح می رفت در خانه شان می گفت اختیاریا دید شما کی هستید؟ من شمارا نمی شناسم، این دولت امتیاجی باین حرف ها ندارد ما دفتر انتخابات باز کرده ایم ما با مردم تماسمان خیلی بیشتر از آنچه که تصور میکنید است آقا با حال قریب ۳۰ هزار نامه در عرض این ۷ ماه مستقیماً به نخست وزیرى رسیده و جواب داده شده است این برای چیست؟ برای اینکه با مردم در تماس هستیم و حالا می گویند راه فلانجا را اسفالت بکن و فردا بساز، نمی شود و تقاضای بی جانی است ولی باو جواب میدهم پس با مردم بیش از آنچه تصور می کنید ما تماس داریم حالا مردم خودشان میدانند که ما با آنها هستیم، حالا مردم مدعی پیدا کرده اند، خود مردم میدانند با آنها تماس داریم مردمی هستند که شاهد هستند و میدانند که کسی می کنیم و می خواهیم کاری برایشان بکنیم این است که تنقید کردن و طر فدا می کردن، خائن بنام معنی، هر کس می خواهد باشد در هر مقامی که می خواهد باشد ما همانطور که مصالح مملکت ایجاب بکنند باز توقیف خواهیم کرد ولی اگر يك قدم بر خلاف قانون برداشتیم اینجا ما را استیضاح بکنید ما توقیف کرده اند يك گونی از همین اعلامیه هائی که عرض کردم از همین خائنین، مصدقی گرفته اند چرا جناب عالی و دیگران را نگرفته اند؟ مگر بیکارند؟ ما آنقدر کار داریم که برسم بحرف مردم ولی این کار را کردیم برای اینکه بدانند که دیگر فرصت شده بدانند که در هر مقامی که باشند اگر برخلاف مصالح مملکت عمل بکنند تنبیه شان خواهند کرد، هیچ تردیدی ندارد ملاحظه و ترس هم از هیچکس نداریم برای اینکه رعایت آئین نامه هم شده باشد و جناب آقای رئیس معترض مجلس در محظور آئین نامه نباشند این است که بنده مطالب را تمام میکنم و با اجازه آقایان چند مطلب دیگر میخواهم مطرح کنم یکی موضوعی که این روزها بگماه است در تمام تهران و این سر و صدائی را مانده اخته و یکی از آقایان نمایندگان معترض آقای بوشهری خیال می کنم چند روز پیش صحبتی کردند راجع بکشف داروی ضد سرطان، بنده آقا خیلی متأسفم که همه کارهای ما میافشد روی احساسات و مسخرگی و در هیچ جای دنیا شاید نخواهد کرد که يك کاشفی يك موضوعی را کشف بکنند و اینطور در توی روزنامه ها عکس بیندازند و سر و صدا بکنند (پرفسور اعلم - این ناندانی روزنامه ها شده است فروشش زیاد شده است) آنهائی که حقیقه کاشفند



فرض فرمائید که يك نفر ميرود يك كسيكه در فريبك استاد است يك موضوع را كشف مي كند ، حش هم هست چون در فريبك متجر است اين جيزي كه كشف كرده هيچ وقت ديديد توي روزنامه ها عكس از او بيندازند داد و ستادي بشود با اينكه نقش است و كشف كرده است ميرود در مراکز علمي دنيا و مراکز علمي خودشان نشان ميدهند وقتي هم كه اين عكسكش شده روشن شد آنوقت اين را اعلام ميكنند كه مردم اطلاع پيدا كنند اين ربط زكار در تمام دنيا است (چند نفر از نمايندگان - كاملا صحيح است) وقتي كه آمد اينجا چه مي كنند روز بيش وزير بهداشت و با ايشان مذاكره كرده اند بنده بايد با آقا بگويم عرض كنم كه اين آقا وزير بهداشت يكي از شريفترين دوستان من است (صحيح است) (يك نفر از نمايندگان - سرخوبي است) يرسش را چه عرض كنم ، (خنده نمايندگان) يكر از جراحت زبردست ما است (صحيح است) و بي اندازه در كارش جدي و با وجدان و با شرف است (صحيح است) و از اين حرفها وصحت ها و داد و ستادها از ميدان در نبرد ما گوشمان عادت دارد اين بود كه نظر به قطعي دولت را باستحضار عموم ميرسانم كه دنيا اين هو و جنجالها نزديك ايشان هم تا اين كابينه هست تشريف دارند عرض كنم اين شخص رفته است اينجا خوب ، وزير بهداشت دو تا چشم ، اين اطباء بخوبي ميدانند كه سرطان را در مراحل اوليه اگر زود تشخيص داده شد با واسطه عمل جراحی يا واسطه برق بارادوم يا كبات يا چيزهايي كه تازه پيدا شده است ميتواند درمان كرد ولي وقتي كه اين جلو رفت ، با اصطلاح ريشه دوانيد بگرازدستان كاري بر نمي آيد هيچكس از ضعف و ناتواني خودش خوشش نمي آيد اينست كه گفتم كور از خدا چه ميخواهد دوتا چشم اين وزير بهداشت هم فكر كرده يك بابائي يك جيزي پيدا كرده از او سوالي كرده بنده براي اطلاع آقا بيايند كه اينجا ميگويد همانطوري كه با هميت موضوع درمان سرطان در دنيا متوجه هستند كليه پزشكان كشور و وزارت بهداشت نيز با هميت فوق العاده موضوع توجه داشته اند در كشور امريكا بظاهر سالي متجاوز از چهارصد ميليون دلار براي تجسس روي درمان سرطان خرج ميشود و در باطن خيلي بيش از اين ها است براي اينكه خود من در يكي از ايالات امريكا در تكساس يك خانم و آقائي كه از سرطان فوت كرده بودند ۱۶۶ ميليون دلار از يوشان را داده بودند وقت كرده بودند براي مبارزه و كشف

سرطان و درمانش بنا بر اين بود كه اينكار خيلي بيش از اين ها است لذا چون موضوع كوچك نبود شخصاً كاشف را بدفتر خود در وزارت بهداشت دعوت نمودم ايشان را بسيار مرد زيرك و باهوش يافتم صراحتاً اظهار كرد كه از علوم پزشكي و دارو - سازي و شيمي وغيره كمترين اطلاع و تخصصي ندارد ولي گفت مطالعه كرده ام و سولو سرطان را كشف كرده ام با اين معني كه كنگر كوهي وقتي گل ميگردد اين گل را باد بهر جاي انسان پشاند همانجا سرطان ميگيرد گفتم اين گر دروي اعضاي دروني نمي نشيند گفت بسيار خوب روي لب مي نشيند زبان ميزند و ميخورند ميرود روي اعضاي داخلي و بعد اظهار كرد كه نباتي است كه سه هفته زيربرف ميرود و ايشان زيربرف آن گياه را مي بيند و مي شناسد و اين گياه داروي اصلي درمان سرطان است با ايشان گفته شد كه كشف خود را قبل از اينكه برسانيد در صورتی كه پس از تجربه و مطالعه روي حيوانات مؤثر بود و زباني نداشت موافقت خواهد شد كه در انسان زيربرف پزشكان متخصص بكار برود و عمل بشود ، آقا اين رويه غلط بود ؟ غير از اين نميشود عمل كرد ولي متأسفانه بايد گله كنم از روزنامه ها مخصوصاً از روزنامه هاي عصر براي اينكه تيراژشان زياد شود فوراً عكسها انداختند حركت كردند فلان كردند و هو و داد و جنجالي بيا كردند بطوري كه اوضاع را منقلب كردند كه ما هر چه داد ميزنيم حرفمان بجائي نرسيد و ميرسد براي اينكه آن بيماري كه سرطان دارد و قبل از پيدايش خوب نيشوي حالا باو ميگويند بابا يك قطره آب بخور خوب ميشوي خوب منم بودم ميخوردم من اين موضوع را اينجا مطرح كردم براي دفاع از پزشكان چون شنيدم و خواندم كه پزشكان را ايراد گرفته اند كه اين آقا بيايند و بخواهند بازار اين شخص بگيرد براي اينكه منافع آنها قطع ميشود (يك نفر از نمايندگان - دروغ است ما از خدا ميخواهيم سرطاني ها معالجه شوند) بنده با آنها جواب دادم كه آقا طبيب بعضي امراض را نداند كه چه جور بايد جلو گيري كرد و مثلاً ممكن است بنده ادعا كنم كه همچوقت تي فوييد نخواهم گرفت ولو اينكه در داخل مريض هاي مبتلا به تي فوييد باشم چرا ؟ براي اينكه واكسن دارد آن واكسن را ميزند و من هم آن واكسن را ميزنم و مسلماً صدي ۹۹ و نيم بنده مصون خواهم بود ممكن است ادعا كنم كه من دي فرتي نمي گيرم ، تي فوس نمي گيرم اين امراض كه امروز وسايل مبارزه و بيش گيري معين است و مشخص ولي ما اطباء درست نميدانيم كه سرطان چي هست يعني نميدانيم چه جور آدم ميگيرد چون تا حالا كشف نشده است آقا براي حفظ خودمان

نه براي حفظ مرضي بنده براي حفظ خودم چون طيب هم كه مصونيت خاصي ندارد و مثل همه سرطان ميگيرد الا در همين جلسه عمومي يكي از آقا بيايند با اينكه طيب بود با اينكه تمام دارو هاي درمان سرطان هم در اختيارش بود از سرطان خون فوت كرد خانم هم از سرطان رحم فوت كرد چون هر دو شان فوت كرده اند گفتنش از نقطه نظر پزشكي اشكالي ندارد خوب با اينكه محتمل است كه طيب هم مثل مردم عادي بسرطان مبتلا شود پس من هم از نقطه نظر حفظ خودم از خدا ميخواهم يك دوائي پيدا شود كه محتاج بعمل جراحي نشود و روي هم نگذارم و با اين خوب شوم آخر اين چه استدلالی است كه من طيب نمي خواهم كه داروي اين مرض كشف بشود و من خواستم اينجا در حضور آقا بيايند از آقا بيايند اطباء دفاع كنم كه همچو چه من الوجوه اين با منطق وفق نميدهم و غلط است ولي براي اينكه افكار مردم هم تسكين يافته باشد هم گاه باشد كه كورك نادان كاري كرده باشد شايد اينطور باشد فرض محال كه معال نيست از اين جهت در اجرائ او امر اعليحضرت هايون شاهنشاهي وزارت بهداشت چند تامل يزد در يك مريضخانه اي ترتيب داد و اين آقا را دعوت كرد تحت نظر يك كميسيوني كه از متخصصين فني هستند و استاد كرسى سرطان كه طيب بسيار بخوبي است و استادان درجه يك و ساير آقا بيايند كه وارد هستند در اين امر اين مرضي را زيرو درمان گرفتند و مشغول مطالعه هستند و البته تا صحت روز اظهار نظر نخواهند كرد و البته در اين چند روز با اينكه آقا بيايند با تلفن تهديد ميگردند كه خوشبختانه با تلفن بود تهديد ميگردند كه با چاقو شكتمان را سفره خواهيم كردا گر بر عليه فلاني اعلاميه بدهيد ولي چون گفته است تا ۶۰ روز اين است كه ما منتظر هستيم ببينيم كه در اين ۶۰ روز چه اثری دارد اينست كه من استدعا ميكنم از تمام افراد مردم و از روزنامه ها كه يك كشي كه انشاء الله خدا بكنند كه درست در بياب انشاء الله از يشت اين تريبون از درگاه خدا مسألت ميكنم كه اين مطلب درست در بياب اين را توتي هو و جار و جنجال و اين حرفها نيندازند و اين باندازمي ميتدل شده است و باندازمي اگر خدای نكرده دروغ دريابد باعث ابروريزي براي مملكت امروز صبح سه هزار نفر رفته اند جلوي مريضخانه از طرفداران او و ميگويند كه با با اين چه ميشود اينكه زندگي نيست اعليحضرت هايون شاهنشاه امر فرمودند و امردر كميسيوني تحت رسيدگي است طبق اصول فني و بنده اجازه اينكارها را نمي دهم ما باو گفتم كه چون اينجا يك انتخاري است براي ايران اگر يك چنين كشي

اين مملكت بودند كه حاضر بودند جانشان را براي مملكت فدا كنند (صحيح است) و از همچ چيزي هم نترسيدند اين اشخاص آمدند گفتند اين راهي را كه شما داريد مي رويد برخلاف ادعای شماست اين عرابي بود كه بنده كردم و آقاي نخست وزير هم هيچ چيزها را فرمودند و چيز تازه اي فرمودند راجع بوقوف شدگان ايشان فرمودند كه خيانت كردند و من اجازه نمي دهم كه كسي خيانت بكنند و بابت توقيف شوند منمم اگر جاي شما بودم و اگر كسي خيانت مي كرد بداييد كه فوراً او را توقيف مي كردم ولي بنده از جناب عالي پرسيدم كه اولاً چرا اين را مخفيه كرديد اگر شما بكمده اي خيانت كرده اند با ايداعان بكنيد كه آقا اين عده خيانت هستند و توقيف كردم و طبق اين قانون بهارشان هم ميزنيم بنده عرض كردم سه ماه اين آقا بيايند را گرفتيد ولي هيچكس نكشيد ايداعان كرديد هر روز هم عده اي منزل بنده ميامند و با خدمت آقا ميرود ميگويند كه آقا صد نفر را گرفته اند نود نفر را گرفته اند هشتاد نفر را گرفته اند بنده عقيدم اينست كه اظهار نظر در امور سياسي از فرائض شخصي انسان است هر كس كه در اين مملكت هست طبق قانون دمكراسي حق اظهار نظر دارد سياست يعني معرف انسان بحقوق اجتماعي خودش هر كس كه بالغ باشد ميتواند بيابد يشت صندوق انتخابات بگويد من در اين شخص رام بخوام و كيل كنم ، من در نفت ميخواهم اظهار نظر بكنم شما آمديد قانون نفت را كذا نديد و گفته ۷ درصد قرارداد بستيم با شركت كرديم با يك كمپاني ۷۵ درصد قيمت آنرا گرفتيم بسيار خوب اين قيمت گرفتن مانع از اين نيست كه چند نفر هم بيابند بگويند آقا ما در اين مورد باشما مخالفيم اين چه اشكالي دارد؟ جناب مصدق هم گفت كه من اينكارها را ميكنم و هر كس كه برخلاف ميل من حرف زد بايد بيندازمش توي زندان ، بايد بدهمش بدست امواج احساسات ما ميگفتم كه شما حق نداريد اين كار را بكنيد هر كس در اين مملكت حق اظهار نظر دارد مملكت اختصاص بكمسي ندارد مملكت مال همه است مال همه ملت ايران است منتهي طبق موازين قانوني كه شما داريد در آن حكومت مي كنيد موازين قانوني شما چيست ؟ قانون دمكراسي است ، اگر شما فردا بيابيد قانون دمكراسي را با زوري كه داريد بهم بزنيد و گفته اوضاع مملكت ما اقتضا مي كند كه مملكت ما ديكتاتوري باشد طبق قانون كشور بنده حرف زد شما ميتوانيد مرا توقيف بكنيد و عمل قانوني كرده ايد و كسي هم نميتواند شما اعتراض بكند ولي شما بنده و اعليحضرت هايوني روزنامه نگار و هر كسي را كه شما مي بينيد احترام مي دهم ما باو گفتم كه چون اينجا يك انتخاري است براي ايران اگر يك چنين كشي

مصونيت دارند مسئوليت ندارند اعليحضرت بايد قانوناً احترام داشته باشند براي قانوني است كه ما وضع كرده ايم يعني قانون دمكراسي - طبق قانون دمكراسي شما را بخواهيد بگريد بايد ايداعان بنده كردم و مردم بايد بفهمند كه شما پنج نفر خائن را توقيف كرده ايد بنده كه احتياج به معرفي ندارم خودتان هم ميدانيد خود اعليحضرت هايوني بنده فرمودند كه ترامي خواستند بدار بنده شما كه خودتان مي دانيد بنده هم آن موقع مقاومت كردم همه آقا بيايند هم ميدانند كه بنده جزو يكي از مخالفين جدي دكتر مصدق بودم اما حالا انكار باي جانم جلوتر رفته هيچكس هم حالا انكار نميكنند كه بنده با رويه او مخالف بودم آقاي دكتور اقبال من باروبه او مخالف بودم بنده مملكت را دوست دارم خود شما هم دوست داريد آقا هم دوست داريد هيچكس ايرانها مملكتشان را دوست دارند ولي اختلاف سليقه است اختلاف رويه است ، اينكه اقليت و اكثريت پيدا ميشود براي اختلاف سليقه است مگر ايداعان از ملت انگليس بدش ميامد و با كيت اسكل بدش ميامد ، مگر جناب عالي بدتان مي آيد بنده خوشم ميامد ، خود جناب عالي اينجا فرموديد كه هيچكس را نميشود گفت كه از كسي وطنپرست تر است آقا صحبت اختلاف سليقه است ، بنده ميگويم جناب عالي آدم خوب هستيد و طبق قانون هم تشريف آورده ايد اينجا نخست وزير شده ايد ولي خلاف قانون رفتار نكند بنده مگر با آقاي علا رفوق نبودم مگر با خود جناب عالي دوست نبودم پشت اين تريبون در مورد لايحه ۷۵ درصد شما مخالفت كردم نكشتم چرا ۷ درصد بسته ايد گفتم پول نفت مملكت را خرج خودمان بكنيم پول نفت صرف مملكت نميشود

**بهبهاني** - به عده اي اينطورند ولي مردم عادي كه بايد قوت خود را از دسترنج خود تأمين كنند فقير ترند شما در اين مملكت كدام علفغوار را جلويش را گرفته ايد ؟ شما تا الان كدام ده را آباد كرده ايد ؟ بنده ميگويم كه بايد همه اين كارها بشود ولي با پول خودمان بشود حرف كه نميشود ب مردم تحويل داد مگر بنده خودم جلوتر از شما با مصدق بنده بودم ما برخلاف مصلحت مملكت كاري نكرديم چدين در اين مملكت براي مصالح مملكت كشته شد ، اعمال پدر من در اين مملكت تمام براي مصالح مملكت است ، آن روزي كه پدر من رفت جلوي آقاي مصدق السلطنه را گرفت اين آقا بيايند نبودند ولي شما بوديد ، اگر جناب مصدق السلطنه ميگذاشت افراد حرفشان را بنده تا اين روز كار گرفتار نمي شد ، اين حرفها براي مصالح مملكت است نبايد كسي بيابد اينجا بگويد كه من عقلم از همه مردم بيشتر است ، بنده اين سؤال را براي اين كردم بنده مخالف اين نيستم كه اگر يك كسي در اين مملكت خيانت كرد بگيريدش ولي اگر كسي آمد نسبت بنفت خواست اعمال نظر بكند بكنده شما ترس نبايد داشته باشيد ، شما كه كار خوبی كرده ايد نبايد ترسي از كار تان داشته باشيد خود بگذاريد ه نفر هم اظهار نظر بكنند من ميگويم اگر آقاي مصدق كار خوبی ميگردد نبايد از پنج نفر دم ترمير سيد حالاهم اگر كسي نظر مخالفت دارد بگذاريد حرفش را بر نهد ، اگر آنها اهانت كردند بگويد اهانت طبق اين قانون اهانت كرده اند باستي اينها را ببريم در محكمه محاكمه كنيم شما خيال ميكنيد آقاي دكتور اقبال كه اگر شما رفتيد من خيال مي كنم كه يك نفر مي آيد كه امام زمان است بعدها من اين خيال را نمي كنم ، بروح رسول الله اين خيال را نميكنم ، ميگويم ممكن است آن يكي بدتر از شما باشد ، اين ظن من بيشتر است ولي ميگويم شما كه درست من هستيد و خير خواه مملكت هستيد رويه خودتان را تعديل كنيد چه لزومي داشت شما هفتاد نفر را بكناريد مخفيه بگريد **نخست وزير** - مخفيه نبود همه ميدانستند همانطور كه شما اطلاع پيدا كرديد . **بهبهاني** - ترا بخدا كسي فهميد ، چرا اعلام نكرديد ؟ چرا توي روزنامه ها دستور نداديد بندي بنده . **نخست وزير** - من به هيچكس نگفتم كه **نخست وزير** - نويسيد . **نخست وزير** - آقاي نخست وزير **نخست وزير** - فرمايشات ايشان بكي اين بود كه چرا توقيف كرديد و خير ندادند بنده نمي دانم اگر خبر دادند كه دو تاجان را گرفته اند و اين مطلب را اعلام بكنند بقيه شان فرار نمي كنند ؟ **بهبهاني** - مگر بنده چندان

**نایب رئیس** - آقاي نخست وزير به بيانات خودتان ادامه بدهيد

**نخست وزير** - بنده مي خواستم جناب عالي عرض كنم كه قرار توقيف افراد را وقتي صادر مي كنند چطور مي فرمائيد همه را اعلام كنيد تحقيقات ميكنند ملازمين كه چند نفر بي تفسير بودند آزادشان كردند رفتند جناب عالي اعلام جرم كنيد استيضاح فرمائيد بنده جواب مي دهم والا با عوارف و ريب نميشود يك دولتي را تخطئه كرد (بهبهاني - درست حرف بزنيد من عوام فريب نيستم) اينكه فرموديد اينجا راجع بقانون نفت كه رأی نداديد - در صورتی كه موافق بوديد البته آزاد بوديد كراي نداديد و بنده حرفي ندارم در صورتی كه گفته باه ۷ درصد موافق هستم ولي بنده خيال مي كنم كه اين تنها دولتي است كه لايحه قانوني نفت را مجلس آورد و فشار نياورد آقا بيايند بنده فشاري خيره خيره آقا بيايند اين لايحه اي كه دولت آورد با آن لايحه كه شما تصويب فرموديد يكي بود ؟ **بهبهاني** - آقا بيايند كان - خيره خيره تمامش را زير و رو كرديد پس معلوم ميشود كه اين دولت يك رويه اي دارد كه ميخواهد با همكاري صيانه آقا بيايند نمايندگان كار بكنند ما كجا فشار آورديم ؟ آقا بيايند آن لايحه قانوني نفت را كه بنده آوردم جناب عالي برداريد بخوانيد و با آنكه تصويب شد مقايسه كند به بينند همانست ؟ بنده هم ميتوانستم بيايم خواهش بكنم تنها بكنم ترا بخدا تغيير ندهيد ولي نكردم اين فرمايشات چيست ؟ **بهبهاني** - من كه حرفي راجع به لايحه نفت ندم چرا صحبت نفت را كرديد اينهم كه مي فرمائيد سطح زندگي مردم پائين است هيچ چنين چيزي نيست در ميان اصفيهان اين آقا بيايند اصفيهاني ها در اينجا هستند در اين دو سه سال اخير ۲۵ برابر به تعداد دو چرخه ها افزوده شده است يعني اگر ده تا دو چرخه



بوده ۲۵۰ تا شده است این دلیل اینست که سطح زندگی مردم بالا رفته شما که دو چرخه سوزی نمیفرمائید ( بهبهانی - مسواک هم همینطور است ) بنده که اگر پول نداشته باشم مسواک نمی خرم اگر پول داشته میخرم این دو چرخه را کی سوار شده ؟ شما که دو چرخه سوزی نمیفرمائید شاید در دوران کودکی دو چرخه سوار میشدید ولی حالا اتومبیل سوار میشوید .

این را کی خریدید؟ همان عساکر که نهائی خریدید است که شما دارید دستکش را پسندیدید زیند این آماری است که بعضی از دروسان خودتان تهیه کرده اند تعداد دو چرخه ۲۵ برابر شده این دلیل چیست؟ دلیل این است که تقاضاهای مردم زیاد شده است دلیل این است که مردم رفته رفته بالا و سطح زندگی شان هم بالا رفته است سابقاً توی هیچ خانه ای یخچال نبود منزل جناب عالی یخچال نبود حالا دوتا یخچال است برای اینکه بدون یخچال نمیشود زندگی کرد .

حالا همه رادیو میخوانند این خرج دارد البته من تصدیق میکنم برای اینکه سطح زندگی بالا رفته است سابقاً یک کارمند بدبخت بیچاره بارتیه یک ۳۲ تومان میگرفت و زندگی میکرد و الان با سیصد تومان میدهند نان ندارد بخورد ( بهبهانی - مامم که همین را میگویی ) ولی بالاخره بودجه مملکت ۴۰۰ میلیون تومان کسر دارد بنده که نمیتوانم بیایم از جیبم بدم اگر داشته شایدمی دادم همینطور گفتن کار آسانی نیست ولی تشریف بیاورید اینجا به نشینید ببینید یک دقیقه هم نمیتواند این کار را انجام دهد یک تندرگی هم اینجا میخواستم بدم که آقای مسعودی و روز نامه پست تهران راجع بکار هراتی چیزی نوشته اند (دکتر عدل - آقای مسعودی مرد شریفی است)

حالا همه رادیو میخوانند این خرج دارد البته من تصدیق میکنم برای اینکه سطح زندگی بالا رفته است سابقاً یک کارمند بدبخت بیچاره بارتیه یک ۳۲ تومان میگرفت و زندگی میکرد و الان با سیصد تومان میدهند نان ندارد بخورد ( بهبهانی - مامم که همین را میگویی ) ولی بالاخره بودجه مملکت ۴۰۰ میلیون تومان کسر دارد بنده که نمیتوانم بیایم از جیبم بدم اگر داشته شایدمی دادم همینطور گفتن کار آسانی نیست ولی تشریف بیاورید اینجا به نشینید ببینید یک دقیقه هم نمیتواند این کار را انجام دهد یک تندرگی هم اینجا میخواستم بدم که آقای مسعودی و روز نامه پست تهران راجع بکار هراتی چیزی نوشته اند (دکتر عدل - آقای مسعودی مرد شریفی است)

حالا همه رادیو میخوانند این خرج دارد البته من تصدیق میکنم برای اینکه سطح زندگی بالا رفته است سابقاً یک کارمند بدبخت بیچاره بارتیه یک ۳۲ تومان میگرفت و زندگی میکرد و الان با سیصد تومان میدهند نان ندارد بخورد ( بهبهانی - مامم که همین را میگویی ) ولی بالاخره بودجه مملکت ۴۰۰ میلیون تومان کسر دارد بنده که نمیتوانم بیایم از جیبم بدم اگر داشته شایدمی دادم همینطور گفتن کار آسانی نیست ولی تشریف بیاورید اینجا به نشینید ببینید یک دقیقه هم نمیتواند این کار را انجام دهد یک تندرگی هم اینجا میخواستم بدم که آقای مسعودی و روز نامه پست تهران راجع بکار هراتی چیزی نوشته اند (دکتر عدل - آقای مسعودی مرد شریفی است)

حالا همه رادیو میخوانند این خرج دارد البته من تصدیق میکنم برای اینکه سطح زندگی بالا رفته است سابقاً یک کارمند بدبخت بیچاره بارتیه یک ۳۲ تومان میگرفت و زندگی میکرد و الان با سیصد تومان میدهند نان ندارد بخورد ( بهبهانی - مامم که همین را میگویی ) ولی بالاخره بودجه مملکت ۴۰۰ میلیون تومان کسر دارد بنده که نمیتوانم بیایم از جیبم بدم اگر داشته شایدمی دادم همینطور گفتن کار آسانی نیست ولی تشریف بیاورید اینجا به نشینید ببینید یک دقیقه هم نمیتواند این کار را انجام دهد یک تندرگی هم اینجا میخواستم بدم که آقای مسعودی و روز نامه پست تهران راجع بکار هراتی چیزی نوشته اند (دکتر عدل - آقای مسعودی مرد شریفی است)

سؤال آقای دکتر امیر نیر و مندراجع بمحل نصب کارخانه جدید برق و جواب آقای معاون وزارت کشور

فایز رئیس - آقای دکتر امیر نیر و مندراجع بمحل نصب کارخانه جدید برق و جواب آقای معاون وزارت کشور

متوسل و یکصد متر مکعب در ساعت بر آب مشروب مردم پایتخت تمویل شداند .

۱ - محل انتخاب شده از طرف بنگاه برق برای کارخانه استوم فاصله زیاد با راه آهن دارد و خساراتی را که از این حیث متوجه شده و میشود زیلا تشریح مینماید .

۲ - محل انتخاب شده از طرف بنگاه برق برای کارخانه استوم فاصله زیاد با راه آهن دارد و خساراتی را که از این حیث متوجه شده و میشود زیلا تشریح مینماید .

۳ - محل خریداری شده برای نصب کارخانه استوم در مسیل قرار گرفته که اینک تاکنون سه بار سیل دیوارها و تأسیسات آنرا منهدم ساخته و برای رفع این خطر باید تجدید مذاکره شد بنده بمبلغ سه میلیون ریال نموده اند .

۴ - اقدام پیور در دیگری که از طرف بنگاه صورت گرفته احداث جاده مخصوص برای کارخانه است است این جاده از مجاورت و نزدیکی بیمارستان یا صد تختخواهی میگذرد عبور کامیونهاییکه محمولات بنگاه برق را حمل می نمایند علاوه بر اینکه ایجاد سرو صدا نموده و مزاحم بیماران بستری در بیمارستان است و چون کامیونهای بزرگ گازوئیل مصرف مینمایند و دود زیاد دارند با کمک دود دائمی کارخانه هوای آن منطقه را مسموم خواهد ساخت .

نه میلیون ریال به حساب خاکبرداری حقیقی و نه میلیون ریال اضافی بملاوه ۳ میلیون ریال خرج سد سازی و شش میلیون ریال مخارج احداث جاد اختصاصی احتساب شود که جمعاً بالغ بر هجده میلیون ریال خواهد شد تقسیم بر یکصد و هفتاد و پنج هزار متر مربع مساحت اراضی کارخانه بانضمام متری ده ریال قیمت اولیه زمین این ترتیب بهاء حقیقی زمین متجاوز از متری یکصد و دوازده ریال برای بنگاه برق تمام شده است و نیز باید گفت که مسئولین بنگاه نمیتوانستند در صورتیکه اجبار به نصب کارخانه استوم در حوالی جاده کرج داشتند با بیست تا شصت ریال متر مربعی از زمینهای صاف بر جاده اسفالت کرج خریداری نمایند که از ساختن سد جاده فرعی اختصاصی و خاکبرداری اضافی بی نیاز باشند با توجه بنکات ذکر شده چاره ای بنظر نمیرسد جز اینکه شایعات مبنی بر سوء استفاده متصدیان بنگاه برق را دایر بر خرید زمین در اطراف کارخانه و جاده فرعی مورد توجه قرار داد .

۵ - بطوریکه کسب اطلاع شده از جهانی که محل نصب کارخانه را در شمال جاده کرج انتخاب نموده اند اینست که متصدیان بنگاه برق قبل از انشای نام این محل اراضی که جاده اختصاصی از آن عبور میکند خود یا بستگان آنها اقدام بخرید مقادیر زیادی از زمینهای مجاور جاده و کارخانه بقیمت ارزان نموده اند زیرا جاده ایکه احداث نموده اند برخلاف اصول بوده و تنها منظور عبور جاده از اراضی خریداری بوده و الا میسر بود که مستقیماً از کارخانه بجاده کرج که بیش از دو کیلومتر از آن فاصله ندارد این معبر را احداث نمایند .

۶ - عنبر بنگاه برق در مورد خرید زمین محل فعلی ارزیابی قیمت آن اعلام شده که از قرار متر مربعی ده ریال آنهم باقساط شش ساله خریداری نموده اند ولی بقرار معلوم این بیان هم فقط ظاهر زیبا داشته و عاری از حقیقت است زیرا طبق صورت وضعیتهای موجود متجاوز از هجده میلیون ریال بابت خاکبرداری بحساب بنگاه برق گذارده شده و بمقاصه کار مورد علاقه پرداخت نموده اند در صورتیکه طبق نقشه ترسیم کارخانه فرانسوی سازنده و مأمور نصب که به بنگاه برق تسلیم شده جمع کل خاکبرداری زیر ماشین آلات کارخانه که شامل ماشین آلات - برجهای خنک کننده - استخراج مغازن مازوت بیش از هشتاد و دوهزار متر مکعب خاکبرداری لازم نداشته و آنهم طبق قرارداد بمقاصه کار هر متر خاکبرداری بمبلغ چهل ریال بوده که بالغ بر سه میلیون و دویست و هشتاد هزار ریال میشود معلوم نیست هجده میلیون ریال ذکر شده در بالا از کجا آمده است برای رسیدگی بموضوع با فرض اینکه

انتخاب محل نصب کارخانه استوم بالای جاده کرج اینست که بعلمت سست بودن زمین کارخانه که شامل ماشین آلات - برجهای خنک کننده - استخراج مغازن مازوت بیش از هشتاد و دوهزار متر مکعب خاکبرداری لازم نداشته و آنهم طبق قرارداد بمقاصه کار هر متر خاکبرداری بمبلغ چهل ریال بوده که بالغ بر سه میلیون و دویست و هشتاد هزار ریال میشود معلوم نیست هجده میلیون ریال ذکر شده در بالا از کجا آمده است برای رسیدگی بموضوع با فرض اینکه

زمانیکه این فونداسیونها بکلی خراب و مجدداً طبق اصول فنی ساخته نشود اجباراً بفراشه مراجعت و بانظار خبر بنگاه برق خواهند بود در ضمن نسبت بانظار در نصب توربین ها از خود سلب مسئولیت نموده اند زیرا مهندسین فرانسوی طبق قرارداد میبایستی پس از ۱۲ ماه از بهمن ماه ۳۳ باشند و بعد از ۸ ماه یعنی آبانماه ۳۳ اولین نصب اولین توربین در تهران آماده باشند و بعد از ۸ ماه یعنی آبانماه ۳۳ اولین نصب اولین توربین را نصب و برای بهره برداری تحویل بنگاه برق تهران بنمایند بمنظور آنکه نمایندگان محترم از خسارتی که در اثر تأخیر در نصب اولین توربین و سایر توربین ها بنگاه برق وارد آمده مستحضر باشند استفاده دارد بمحاسبان زیر توجه فرمایند .

دوازده هزار و پانصد کیلووات برق در ساعت ضرب در ۲۴ ساعت میشود سیصد و هشتاد کیلووات در روز ۳۰ روز نه میلیون کیلووات ساعت میشود در ماه و طبق اعلامیه منتشره از طرف بنگاه برق تهران در اطلاعات مورخه دوشنبه ۳۱ ر ۲۶ اولین توربین در سال ۲۷ بکار خواهد افتاد بنابراین با فرض اینکه در فروردین سال ۳۷ بهره برداری از آن آغاز گردد هفده ماه در نصب و بهره برداری از اولین توربین استوم تأخیر شده است لذا با ضرب نمودن ۹ میلیون کیلووات ساعت برق در هفده ماه

تأخیر مقدار یکصد و پنجاه و سه میلیون کیلووات ساعت نیرو تولید نشده و نخواهد شد اگر این مقدار نیرو در حداقل قیمت فروش برق ( کیلوواتی دوریال ) ضرب شود مبلغ سیصد و شش میلیون ریال خسارت یک توربین بوده و چون میبایستی سه توربین دیگر نیز هر کدام فاصله ۶ ماه بعد از دیگری نصب گردد بنابراین در نصب تمام واحدها هفده ماه تأخیر شده است با این معاشیه مجموع نیروی که میبایستی بهره برداری شده باشد شصت و دوازده میلیون کیلووات ساعت میشود و اگر در قیمت فروش که دوریال است ضرب شود بالغ بر یک میلیارد و دویست و بیست و چهار میلیون ریال میگردد و با تصور اینکه نصف نیروی حاصله از توربینها بفروش میرسد باز هم مبلغ شصت و دوازده میلیون ریال بایستی غایب صنوبر بنگاه برق میشود که در اثر تأخیر در اجرای قرارداد و سهل انگاری مسئولین امر تمویل بر مردم تهران خواهد شد و اگر زیان حاصله از را کدماندن میلیونها ریال سرمایه که بابت این کارخانه تا بعال پرداخت شده و بعداً نیز پرداخت خواهد شد بحساب آید زیان وارد سر بجهتم خواهد زد از طرفی هر چه نصب توربینهای کارخانجات استوم بتسویق افتد علاوه بر اینکه مردم پایتخت در مضیقه بی برقی خواهند بود دست متصدیان بنگاه برق را برای انجام بعضی معاملات باز میکند و معلوم نیست مسئول خسارات وارده و عدم انجام

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .

تهدات و این گشاد بازها کیست .



**۸ - تقاضای طرح لوایح موضوع اختیارات آقای گلشائیان بوسیله آقای دکتر شاهکار**  
**دکتر شاهکار** - طرحی است بقیدیک فوریت که تقدیم میکنم (صدرزاده - تقاضا است طرح نیست) بلی تقاضا شده است که لوایح موضوع اختیارات آقای گلشائیان در مجلس مطرح شود

**۹ - طرح و تصویب دو فوریت لایحه اصلاح قانون اعزام حاصل بخارجه**  
**نایب رئیس** - فوریت لایحه تقدیمی آقای وزیر فرهنگ مطرح است قرائت می شود (بشرح زیر خوانده شد)  
 ریاست محترم مجلس شورای ملی ضمن ماده ۱ قانون محصلین ایرانی در خارجه مصوب ۲۳ تیر ماه ۳۶ مقرر گردیده است که در اعزام دانشجویان بخارجه احتیاجات کشور مورد توجه واقع گردد چون با رسیدگیهایی که شده باید عده برای تحصیل و احراز تخصص از بین مهندسین و دارندگان دانشنامه لیسانس بیالا اعزام شوند باینجهت تبصره ذیل برای الحاق بماده ۱ قانون فوق الذکر بافید دو فوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا مینماید :  
 تبصره - برای رشته های تحصیلی که داوطلبان آنها از بین مهندسین و دارندگان دانشنامه لیسانس بیالا باید انتخاب شوند حداکثر سن ۲۸ سال تعیین معین میگردد  
**نایب رئیس** - فوریت اول مطرح است - آقای دکتر شاهکار .  
**دکتر شاهکار** - بنده باید در

پیشگاه مقدس مجلس شورای ملی اعتراف بکنم که هر وقت يك لایحه ای مربوط بفرهنگ مطرح میشود يك تمصب بخصوصی دارم که هیچوقت خودم را فرهنگی تر از سایر آقایان نمیدانم مجلس شورای ملی در این دوره که من افتخار نمایندگی آنرا دارم و در دوره های قبل هر وقت لایحه ای که راجع بفرهنگ بیاید با کمال علاقه تمام آقایان نمایندگان نسبت به آن لایحه رسیدگی می کنند (صحیح است) این است که عرض کردم هیچ تمصبی در این مورد ندارم و تنها نیستم و یکی از افرادی هستم که در مجلس شورای ملی راجع بلوایح فرهنگی اظهار نظر می کنم بنده هم خوشوقتیم که الان در رأس وزارت فرهنگ يك مردی است تحصیل کرده علاقمند و با کدامن (صدرزاده - و با تجربه) و با تجربه و بنده روی هر سه اینها تکیه میکنم و خود آقای دکتر مهران می داند اهل مداهنه و مجامله نیستم و اگر هم يك روزی تصادف بکنند کار خلافی کردم خواهم گمت و باز هم خواهم گفت که دولت در مقابل مجلس مسئول است و باید جواب بدهند بنا بر این با اینکه جناب دکتر در رأس وزارتخانه هست من با هر گونه تعدیدی (باح حطی) نسبت با اعزام افراد کشور برای تعلیم و تربیت مخالفم ما آنقدر احتیاج داریم جناب آقای دکتر از اینکه محصل بارو با بفرستیم و از اینخردمن دانش و علم و مخصوصاً تکنیک و فن استفاد

کنند و برای ما سوقات بیارند که بقول آقای نخست وزیر بشود کار مثبت انجام داد از این جهت بنده با قید ۲۳ اقل که لازم است باشد) اگر نظر آنان باشد موقع طرح اصل لایحه هم من مخالف بودم درست است يك پایه معلومانی باید داشته باشد ولی آن حداقلی که می فرمائید تویش هست (صدرزاده - ضمناً هفتاد ساله نباشد) و من خیال میکنم که اساساً در آن موقع که ۲۳ را گذاشتید دچار اشکال شدید و حالا آوریدید ۲۸ میخواهید بکنید فردا اگر کسی ۲۹ سالتش بود چه میکنید ؟ جناب آقای صدرزاده فرمودند هفتاد ساله نباشد ولی عرض میکنم اگر ۲۹ سالتش بود ۳۰ سالتش بود واقعا شما با آن بی طرفی و بی نظری که دارید می توانید وجودش استفاده کنید؟ من میخواستم استدعا کنم یا این ۲۸ را بردارید و اگر خواستید بگذارید، بگذارید ۳۰ و یا اساساً حد را بردارید .

**نایب رئیس** - آقای دکتر شاهکار فوریت مطرح است در اساس لایحه ضمن طرح لایحه ممکن است مطالب خودتان را بفرمائید

**دکتر شاهکار** - بسیار صحیح است .  
**نایب رئیس** - آقای صارمی موافقت بفرمائید .

**چند نفر از نمایندگان** - مخالفی ندارد آقای دکتر شاهکار هم مخالف نبودند .

**صارمی** - چون مخالفی نیست عرضی ندارم .  
**نایب رئیس** - چون مخالفی نیست رأی میگیریم بفوریت اول آقایان موافقتین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد فوریت دوم مطرح است آقای صدرزاده مخالف هستید (صدرزاده - موافقم) مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) چون در فوریت دوم کسی مخالف نیست رأی گرفته میشود آقایان موافقتین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد طبق آئین نامه ده تور چاپ داده میشود و در جلسه آینده بدون اینکه بکمیسیونها برود مطرح خواهد شد

### ۱۰ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

**نایب رئیس** - جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز سه شنبه نهم آبان خواهد بود و دستور جلسه گزارش کمیسیون داد گستری مربوط بجلو گیری از قاچاق بوسیله وسائط نقلیه و موتور و همچنین گزارش کمیسیون استخدام و بهداشتی راجع با استخدام عده ای پزشک و داروساز و غیره و آقای دکتر نیرومند هم اگر بتقاضای خودشان برای ارجاع سؤال بکمیسیون تحقیق باقی ماندند در دستور مجلس گذاشته می شود (مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**نایب رئیس** مجلس شورای ملی -  
**عماد تربتی**